

فکتاب معرفی

دکتر فریدون سیامکنژاد

این کتاب در هشت فصل نگاشته شده که عبارتند از:

فصل اول: آشنایی با خصوصیات و ویژگی‌های شرکت‌های چندملیتی

فصل دوم: خصوصیات کشورهای در حال توسعه

فصل سوم: شرکت‌های چندملیتی و الگوهای معرف

فصل چهارم: حقوق شرکت‌های چندملیتی

فصل پنجم: شرکت‌های چندملیتی داروسازی و اقتصاد جهانی دارو

فصل ششم: بررسی مسایل حقوقی و اخلاقی، مطالعات بالینی در شرکت‌های داروسازی

فصل هفتم: هدایای بشر دوستانه شرکت‌های چندملیتی به بخش سلامت

نام: شرکت‌های فراملیتی و حقوق

مصرف‌کنندگان

نویسنده: دکتر بهزاد نجفی

ناشر: نشر آخر

شمارگان: ۱۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۶

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

آقای دکتر بهزاد نجفی که از همکاران خوب نشریه رازی و از داروسازان خوش‌نام کشور هستند، اخیراً تحقیق و پژوهشی داشته‌اند که به صورت کتاب منتشر شده است. لطف ایشان به نشریه رازی و ارسال کتاب‌شان برای مجله، موجب معرفی آن در این بخش گردید.



ملی امکان تولید برند داخلی را از بین می‌برد. حضور شرکت‌های چندملیتی در کشورهای در حال توسعه که به صورت سرمایه‌گذاری در آن کشورها صورت می‌گیرد، موجب می‌شود که عملاً آن کشورها به بازار و شیوه تولید این شرکت‌ها دسترسی پیدا کنند و بخشی از تولید هم در کشورهای در حال توسعه صورت گیرد. این مهم زمانی صورت می‌گیرد که اولاً شرایط سیاسی و اقتصادی کشورهای در حال

فصل هشتم: دعوای حقوقی شرکت‌های چند ملیتی داروسازی
برای آشنایی با محتویات این کتاب، مقدمه آقای دکتر بهزاد نجفی را با هم مرور می‌کنیم:
بخشی از ترس کنونی دولت‌مردان کشورهای در حال توسعه، حضور شرکت‌های چندملیتی در آن کشورهاست. این تصویر وجود دارد که حضور شرکت‌های چندملیتی، علاوه بر تضعیف حاکمیت

خارجی را تحت پوشش خود دارند. این شرکت‌های چندملیتی که ۶۰ درصد در بخش مطبوعات، ۳۷ درصد در بخش خدمات، ۳ درصد در بخش کالاهای اساسی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، یک سوم نقدینگی بخش خصوصی جهان را در کنترل خود دارند، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این شرکت‌ها نزدیک به ۲ تریلیون (۲۰۰۰ میلیارد) دلار تخمین زده می‌شود که ۳۳ درصد آن به صد شرکت بزرگ چندملیتی تعلق دارد.

اخیراً پیشرفت اقتصادی سال‌های ۱۹۶۰ منجر به رشد سریع سرمایه‌داران جهانی گردیده است در کشورهای کاملاً صنعتی، افزایش درآمدها، علت جذب شرکت‌های چندملیتی بوده است. در کشورهای در حال توسعه دسترسی به نیروی کار ارزان، بسیاری از شرکت‌ها را تحریک به ساخت کارخانجات جدید و مراکز مونتاژ نموده است.

اوایل، اغلب کشورها استقبال شایانی از شرکت‌های چندملیتی نمودند زیرا تصور می‌کردند که با چنین سرمایه‌گذاری خارجی نیاز مبرم به کار برطرف می‌شود، به‌طور کلی صنعت رونق می‌گیرد و احتمالاً در صورت صادرات محصولات شرکت به خارج، ارز خارجی وصول می‌شود. اما اخیراً، جریان‌های علیه شرکت‌های چندملیتی تغییر مسیر داده‌اند. در حال حاضر به شرکت‌های مذکور با شک و تردید زیادی نگریسته می‌شود. آن‌ها که روزگاری فرشتگان نجات محسوب می‌شدند اکنون در صحنه‌های بین‌المللی شیاد تلقی می‌شوند.

به دلایل مشروحه زیر، کشورهای میزبان در حال حاضر فعالیت میهمانان خود یعنی چند ملیت‌ها را محدود می‌کنند. اکثر کشورهای در

توسعه، از جمله ایران، امکان حضور شرکت‌های فراملیتی را فراهم کند به بیان دیگر شرکت‌های چندملیتی زمانی براساس مزیت‌های اقتصادی یک کشور، آن را به‌عنوان انتخاب اقتصادی برمی‌گزینند که ریسک سیاسی و اقتصادی آن در حداقل ممکن باشد.

اصطلاح شرکت‌های فراملیتی (چندملیتی) برای شرکت‌هایی که دارای شعبات یا مراکز فروش در سرتاسر دنیا هستند، به کار گرفته می‌شود و اصطلاح دیگر برای این نوع موسسات تجاری، شرکت جهانی می‌باشد. امروزه مهم‌ترین عامل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شرکت‌های فراملیتی هستند.

با نگاهی به گذشته، می‌توان دو دلیل اصلی برای توسعه شرکت‌های چندملیتی پیدا نمود. اولاً وقتی که شرکت‌ها متوجه شدند که بازارهای داخلی آن‌ها اشباع گردیده است، دریافتند که صرفاً از طریق برپایی شعبات خارجی می‌توان جلب منفعت بیشتر نمود. ثانیاً اگر کشوری در مقابل تولیدات این شرکت‌ها موانع تجاری ایجاد می‌نمود، تنها چاره برای شرکت احداث کارخانه یا سازمان‌های فروش در داخل کشور مربوطه بود.

شرکت‌های چندملیتی را می‌توان از مصادیق بارز سازمان‌های غیردولتی انتفاعی به شمار آورد. این شرکت‌ها نقش بسیار پراهمیتی در زمینه تجارت بین‌الملل و حتی در سیاست بین‌الملل (با تأثیرگذاری و نفوذ در دولت‌ها) ایفا می‌کنند. در حال حاضر بیش از ۳۷ هزار شرکت چندملیتی مادر وجود دارد که ۹۰ درصد آن‌ها در کشورهای توسعه یافته است و نزدیک به ۱۷۰ هزار شرکت

حال توسعه، تنها در صورتی اجازه سرمایه‌گذاری جدید را می‌دهند که به شکل مشارکت باشد. این بدان معنی است که سرمایه‌داران بومی یا موسسات دولتی می‌بایست در مالکیت و حتی اداره و مدیریت این شرکت‌ها مشارکت داشته باشند. برخی دیگر از کشورها هم چون هند و نیجریه، شرکت‌های خارجی از پیش شناخته شده را مجبور به کاهش سهام خود تا درصد معینی مثلاً ۶۰ یا ۴۰ درصد کل سرمایه شرکت می‌کنند.

تلاش‌های گوناگونی در سطح بین‌المللی برای تنظیم فعالیت شرکت‌های چندملیتی صورت پذیرفته است که شایسته‌ترین آن‌ها دستورالعمل سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (اُاسد) در خصوص شرکت‌های چندملیتی است: (دستورالعمل) مذکور نوعی کتابچه راهنما است که چگونگی رفتار شرکت‌ها در جامعه را توضیح می‌دهد. دستورالعمل مذکور اختیاری بوده و ضمانت اجرای قانونی ندارد.

در اغلب موارد بحران میان کشورهای میزبان و شرکت‌های چندملیتی اجتناب‌ناپذیر است، چه آنکه وجود شرکت‌های مذکور تهدیدی علیه حاکمیت و اقتدار ملی محسوب می‌شود.

شرکت چندملیتی عظیم و ثروتمند است و معمولاً در صناعی که ورود به آن صعب بوده و حایز اهمیت حیاتی است هم چون، صنایع کامپیوتر، شیمیایی و اتومبیل به فعالیت می‌پردازد. مهم‌تر از همه، هدف اصلی شرکت چندملیتی عبارت از این است که فعالیت هایش را در سراسر جهان سازماندهی کند تا سهم خود را از منافع و بازار جهانی به حداکثر برساند. هر شعبه شرکت چندملیتی قسمتی از یک

شبکه بین‌المللی از شعب فرعی است. تمامی این شعب برای هم کار متقابل انجام می‌دهند. هر بخش به تمامی قسمت‌ها سرویس می‌دهد. کنترل مرکزی شبکه - اداره مرکزی شرکت چندملیتی - تحت کنترل کشور میزبان نمی‌باشد. اداره مذکور غالباً هزاران مایل دورتر از این شعب قرار گرفته است. اصولاً هر شخص حقوقی طبیعی باید دارای تابعیتی بوده و بیش از یک تابعیت نداشته باشد اما در این مورد نیز استثنا وجود دارد و در اقتصاد پیشرفته امروزی دامنه فعالیت بسیاری از شرکت‌ها چنان گسترش یافته است که با داشتن یک تابعیت واحد نمی‌توانند به نحوی که در نظر دارند فعالیت نمایند. لذا به جای تشکیل شعبه‌های متعدد در کشورهای مختلف، در هر کشوری که مایل به فعالیت و سرمایه‌گذاری در آن باشند، شرکتی فرعی ظاهراً با تابعیت آن کشور تاسیس می‌نمایند.

البته اصطلاح شرکت‌های چندملیتی از لحاظ حقوقی اصطلاح صحیحی به نظر نمی‌رسد. زیرا اولاً موضوع به تابعیت مربوط است نه به ملیت، ثانیاً اشخاص حقوقی نیز همانند اشخاص طبیعی حتی با داشتن بیش از یک تابعیت، فقط دارای یک تابعیت موثر می‌باشند. ولی امروزه با پیشرفت تجارت بین‌المللی و موقعیت شرکت‌های بزرگ و عمده شرکت‌های چندملیتی واقعیتی غیرقابل انکار می‌باشند که در هر کشوری که تمایل به فعالیت داشته باشند به جای تشکیل شعبه که معمولاً تحت نظر و با سرمایه شرکت اصلی اداره می‌شود، یا یک شرکت فرعی با تابعیت کشور مورد نظر تشکیل می‌دهند و این شرکت فرعی دارای سرمایه و بدهی و هیات مدیره جداگانه‌ای

در مدیریت بین سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی می‌باشد. بدین معنی که در اساس‌نامه یا در قرارداد مشارکت پیش‌بینی می‌شود که تصمیمات اساسی مربوط به اداره شرکت باید با توافق هر دو طرف داخلی و خارجی اخذ گردد.

ج - برقراری مشارکت از طریق ایجاد sister company که در این طریق دو شرکت دارای شخصیت حقوقی جداگانه می‌باشند ولی سهام‌داران یا اکثریت سهام‌داران یکی هستند. ایجاد شرکت وابسته، یعنی شرکت فرعی که فقط جزئی از سرمایه‌اش به یک شرکت خارجی تعلق دارد.

از آن جا که شرکت‌های چندملیتی همان طور که اشاره شد در هر کشوری تابعیت همان کشور را برای شرکت فرعی خود کسب می‌کنند اصولاً نمی‌توانند از حمایت سیاسی برای حمایت از اموال شرکت‌های فرعی خود استفاده کنند و به همین دلیل اقدام به همکاری‌های اقتصادی با یکدیگر می‌کنند که این امر موجب دخالت در سیاست‌های داخلی کشور می‌گردد.

بنابراین هر کشوری باید در مقابله با قدرت شرکت‌های چندملیتی از حقوق داخلی خود استفاده کند و از طرفی وضع مقررات آنتی‌تراستی در بعضی کشورها باعث می‌شود شرکت‌هایی که با فعالیت مشابه دارای منافع متضادی، در کشورهایی مثل ژاپن و آلمان که چنین مقرراتی را وضع نموده‌اند می‌باشند، در سطح بین‌المللی و در کشورهایی که چنین مقرراتی را فاقد می‌باشند، ایجاد انحصار نمایند.

لازم به تذکر است که شرکت‌های چندملیتی

می‌باشد و یا در یک شرکتی که تبعه کشور مورد نظر است سهیم می‌شوند.

هر شرکت فرعی در حقیقت فقط تابعیت کشور محل ثبت خود را دارد ولی از جهت این که شرکت اصلی دارنده سهام شرکت‌های فرعی با تابعیت‌های مختلف محسوب می‌شود، مجموعه شرکت‌های گوناگون چندملیتی محسوب می‌شود و هر یک از شرکت‌های فرعی در عین داشتن تابعیت محل ثبت از نظر مدیریت تابع اوامر شرکت مادر می‌باشند.

بنابراین به نظر می‌رسد اگر همه کشورها سعی کنند مقرراتی در این زمینه وضع نمایند، این قبیل شرکت‌ها هرگز نخواهند توانست به حیات خود ادامه دهند. اما شاید این امر ایده‌آلی بیش نباشد زیرا وضع مقررات ضدتراستی برای کشورهایی که احتیاج به جلب سرمایه‌های خارجی و سود حاصل از آن دارند تقریباً غیرممکن است. البته در این قبیل کشورها نیز می‌توان به طرق مختلف از افزایش فعالیت شرکت‌های چندملیتی و دخالت آن‌ها در اقتصاد داخلی کشورها جلوگیری نمود:

الف - محدود کردن درصد سرمایه‌گذاری خارجی

مطابق گسترش مالکیت در واحدهای تولیدی هیچ واحد صنعتی نمی‌توانست بیش از ۴۹ درصد سرمایه‌اش متعلق به اتباع بیگانه باشد. لازم به تذکر است که مقررات مزبور در مورد شرکت‌های بازرگانی و خدماتی چنین محدودیتی را قایل نمی‌شد و این محدودیت فقط مربوط به واحدهای صنعتی بود.

ب - از دیگر راه‌های جلوگیری از افزایش فعالیت شرکت‌های چندملیتی برقراری مشارکت

در حال حاضر چنان اهمیت فوق‌العاده‌ای در سطح بین‌المللی یافته‌اند که موضوع بسیاری از مقالات و کتب را به خود اختصاص داده‌اند.

شرکت‌های چندملیتی با توجه به اهدافشان نفوذ زیادی را در بخش سلامت و پزشکی و خصوصاً صنایع داروسازی و غذایی دارند و اقدامات حقوقی و اخلاقی زیادی را در این مورد انجام می‌دهند که در این کتاب بدان‌ها اشاره خواهد شد. صنعت داروسازی و به ویژه شرکت‌های بزرگ فراملیتی مقادیر عظیمی از اطلاعات را تولید و سامان‌دهی می‌کنند. بسیاری از این مطالب، سری باقی می‌مانند یا تنها در اختیار نهادهای نظارت و بازرسی و قانون‌گذار (مثل FDA آمریکا) قرار می‌گیرند. بخش کوچکی از این اطلاعات در اختیار عموم قرار می‌گیرد که عمده این بخش را، کارآزمایی‌های بالینی منتشر شده، مطالب تبلیغاتی و توصیه‌های درمانی بی‌طرفانه، با مخاطب تجویز‌کنندگان و بیماران تشکیل می‌دهند. به‌طور کلی شرکت‌های دارویی فراملیتی از طریق سرمایه‌گذاری در پژوهش، اثر مهمی بر جهت‌دهی پژوهش‌های پزشکی دارند و از طریق فعالیت‌های آموزشی و تبلیغاتی خود نیز احتمالاً بیشترین نفوذ فردی را بر تجویز داروها اعمال می‌نمایند. در اغلب موارد این شرکت‌ها به‌عنوان منبع تامین‌کننده

اکثر کنفرانس‌های بین‌المللی و بزرگ و تحقیقات بخش سلامت عمل می‌کنند و تمامی وسایل کمک آموزشی پزشکی را به عهده دارند و به ندرت می‌توان مشاهده کرد که یک دولت بتواند در برابر فشار شرکت‌های دارای درآمدهایی بیشتر از تولید ناخالص ملی کشور مقاومت کند.

خلاصه این که در این تحقیق هدف صحبت کردن بر علیه یا له شرکت‌های فراملیتی و پرداختن به مزایا یا مضرات این شرکت‌های معظم نیست و همه این‌ها به قضاوت خود خوانندگان گذارده خواهد شد تا بررسی شود.

لازم می‌دانم از راهنمایی‌ها و تشویق‌های مرکز رشد واحدهای فن‌آوری فرآورده‌های دارویی دانشگاه علوم پزشکی تهران، شرکت سهامی توزیع دارو پخش، معاونت پژوهشی موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ماهنامه دارویی رازی و هم‌چنین شرکت داروسازی فارابی اصفهان تقدیر و سپاس‌گذاری نمایم.

در خاتمه ضمن آرزوی موفقیت، سلامتی و سربلندی برای همکاران آقای دکتر بهزاد نجفی، مطالعه این کتاب را برای کلیه دست‌اندرکاران حرفه پزشکی، خصوصاً داروسازان صنعت داروسازی توصیه می‌کنیم.

